**جایگاه مسجد در مبارزه با تهاجم فرهنگی و مفاسد اجتماعی**

**مسجد دکترین فرهنگ اسلامی**

**كريم اسفنديار نسب (پژوهشگر عرصه اجتماع)**

 در تمدن اسلامی جریان فرهنگی مؤثری را نمی‌توان یافت که بی‌ارتباط با مسجد باشد. از آنجایی که در مکتب حیات‌بخش اسلام و مخصوصاً در فرهنگ غنی عرفان اسلامی، زندگی مسلمانان همیشه بر محور یاد و نام الهی بوده است، خدواند محیطی را برای ادارة معنوی زندگی در نظر گرفته که مانند قلب تپنده‌ای که خون را به تمام بدن می‌رساند، حیات و تفکر و بالندگی را به تمام پیکرة جامعه سرازیر کند و حتی مدیریت سیاسی را که مقدم بر سایر برنامه‌هاست نیز بر عهده گیرد.

معمار کبیر انقلاب، حضرت امام خمینی (رضوان الله تعالی علیه) که مصداق واقعی یک عالم اسلام‌شناس بود و به واقعیت دین و اهداف آن شناختی الهی و عالمانه داشتند، دربارة جایگاه مسجد در دین مبین اسلام می‌فرمایند:

مسيحيون خيال نكنند كه در اسلام هم، مسجد هم مثل كليساست. مسجد وقتى نماز در آن بر پا مى‌شده است تكليف معيّن مى‌كرده‌اند، جنگ از آنجا شالوده‌اش ريخته مى‌شده است. تدبير ممالك از مسجد شالوده‌اش ريخته مى‌شده است. مسجد مثل كليسا نيست. كليسا يك رابطه فردى مابين افراد و خداى تبارك و تعالى (على زعمهم) است؛ لكن مسجد مسلمين در زمان رسول خدا و در زمان خلفايى كه بودند...، مسجد مركز سياست اسلام بوده است. در روز جمعه با خطبه جمعه مطالب سياسى، مطالب مربوط به جنگ‌ها، مربوط به سياست مُدُن، اينها همه در مسجد درست مى‌شده است، شالوده‌اش در مسجد ريخته مى‌شده است. در زمان رسول خدا و در زمان ديگران و در زمان حضرت امير (سلام الله عليه).[[1]](#endnote-1)

**تعریف فرهنگ**

فرهنگ پدیدة مهم و پیچیده‌ای است که به عنوان هویت و شناسنامة یک ملت یا امت شناخته می‌شود. درواقع مجموعه‌ای از پدید‌ه‌هاست که براساس یک ایدئولوژی و جهان‌بینی خاص به وجود آمده‌اند یا دست کم تحت تأثیر آن اصول فکری و جهان‌بینی شکل گرفته‌اند.

«فرهنگ به معناي اعم، بينش و منش هويت‌دهنده انسان در حوزه زندگي اجتماعي است... كليت به‌‌هم‌تافته و به‌هم‌پيوسته‌اي از باورها، فضائل، ارزشها، آرمان‌ها، دانش‌ها، هنرها، فنون، آداب و رسوم و عادات جامعه را شامل شده، مشخص‌كننده ساخت و تحوّل كيفي زندگي هر ملّت است».[[2]](#endnote-2)

**انواع تعاملات فرهنگی**

از واقعیت‌های انکارناپذیر زندگی انسانی، ارتباط و هم‌اندیشی است. در طول تاریخ، تمدن‌ها و فرهنگ‌ها همیشه از یکدیگر تأثیر می‌پذیرفته‌اند که به طور غالب می‌توان آنها را به دو دستة تأثیرگذار و تأثیرپذیر تقسیم کرد. برای اینکه یک فرهنگ در سطح وسیع بتواند تأثیرگذار باشد و سایر فرهنگ‌ها را تا حدودی با خود همگام و هم‌صدا کند، دو عنصر اصلی لازم دارد. نخست اینکه از پشتوانه‌ای عقلی و منطقی و قدرت پاسخ‌گویی به نیازهای انسانی برخوردار باشد. دوم اینکه از رسانه و ابزار و امکانات کافی برای ترویج و تبیین خود برخوردار باشد.

از طرف دیگر فرهنگ مقابل اگر به لحاظ منطقی و محتوایی پیشرفته نباشد، یا گرفتار جمود و تعصب بی‌دلیل و احمقانه می‌شود، مانند فرهنگ اعراب مشرک جاهلیت که در برابر اسلام مقاومت نشان دادند یا دچار خودباختگی و بی‌هویتی می‌شود؛ مانند کشور ترکیه که در مقابل فرهنگ غرب به حدی دچار خودباختگی شد که کلمات ترکی خود را با حروف انگلیسی می‌نویسند. با وجود اینکه یکی از مهم‌ترین عنصرهای اصالت یک فرهنگ، داشتن زبان و خط مستقل است.

**1. تعامل منطقی و انسانی**

فرهنگ‌ها به طور سالم و بدون اهداف استعماری، به تبادل نظر و انتقال تجربیات و دستاوردهای فرهنگی بپردازند. گاهی این تعامل از سمت یک فرهنگ به عنوان یک تقاضا مطرح می‌شود و فقط مربوط به یک عرصه می‌شود؛ مثلاً در علم و صنعت متأثر می‌شود نه در جهان‌بینی. نمونة بارز آن فرهنگ منجمد و عقب‌افتادة غرب در قرون وسطی که در مواجهه با آزاداندیشی علمی و پیشرفت صنعتی مسلمانان، با اشتیاق تمام به الگوبرداری پرداخت و البته با تلاشی که غربیان داشتند، به موقعیت ممتازی در صنعت و تکنولوژی رسیدند.

**2. تهاجم فرهنگی**

این پدیده گرچه مقولة پیچیده‌ای است، اجمالاً در تعریف آن می‌توان گفت که تهاجم فرهنگی عبارت است از اینکه یک قدرت سیاسی برای اهداف استعماری و غیرانسانی خود که معمولاً بعد از شکست و یأس از جنگ نظامی در پی نابود کردن یک جریان است، به نوعی به جنگ نرم و نبرد غیرمستقیم دست بزند و به عناصر اصلی یک فرهنگ هجوم برد.

**مسجد سردمدار پاسداری از فرهنگ و انسانیت**

با توجه به اینکه مسجد یک مرکز همه‌جانبه و کامل و مترقی است، برای تمام عرصه‌ها و زمینه‌های مورد نیاز مربوط به معیشت و شریعت بر‌نامه‌های خاص خود را دارد که در صورت تحقق و عملی شدن صحیح آن، پتانسیل مناسبی برای اصلاح نظام انسانی خواهد داشت که برخی از آنها را ذکر می‌کنیم.

**مسجد دانشکده‌ای برای ارتقای فهم دینی**

نه تنها در تاریخ فرهنگ ایران، بلکه در مسیر پرفراز و نشیب تاریخ جهان اسلام، همیشه مساجد پراستقبال‌ترین پایگاه علمی و فرهنگی برای تودة مردم بوده ‌و به همین علت، بسیاری از کلاس‌ها و محافل علمی در مساجد برگزار می‌شده است. منبر یکی از جذاب‌ترین و پرطرفدارترین شیوه‌های این فعالیت‌ها بوده که علاوه بر وعظ و خطابه از آن به عنوان کرسی تدریس استفاده می‌شده است. این شیوه از زمان پیامبر اعظم (صلی الله علیه و آله) شروع شد و در زمان ائمه هدی (علیهم السلام) مخصوصاً زمان امام باقر و امام صادق (علیهما السلام) رونق یافت. هم‌اکنون نیز با وجود فضاهای علمی جدید به دلیل جاذبه‌های فرهنگی، تاریخی و معنوی مسجد این شیوه همچنان ادامه دارد. این رویکرد وسیع و عمیق توده‌ها و اقشار مختلف مردم، باعث واکسینه شدن افکار مردم مخصوصاً نسل جوان در برابر تهاجمات فرهنگی و مفاسد اجتماعی می‌شود.

**مساجد کرسی‌های آزاداندیشی**

در بسیاری از روایات ما نقل شده که ائمه (علیهم السلام) در مسجد با دانشمندان علوم مختلف و حتی با دانشمندان ادیان مختلف به بحث و تبادل‌ نظر پرداخته‌اند و در بسیاری از این موارد، در مقام آموزش بوده‌اند؛ یعنی می‌خواسته‌اند در فضای مسجد به عنوان یک مرکز فرهنگی به شیعیان و حتی سایر مسلمانان آموزش دهند که آزادانه و با رفتاری کاملاً انسانی و منطقی به گفت‌وگو بپردازند تا حقیقت، خود را نشان دهد.

ویژگی‌های دیگری نیز برای مسجد وجود دارد که در مهندسی فضای فرهنگی جامعة اسلامی تأثیرات عمیقی را می‌گذارد که اجمالاً به برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

فضای معنوی و تأثیرات روحی مسجد که علاوه بر روایات در جدیدترین تحقیقات روانشناسی به طور جدی به آن پرداخته شده است.

کارکرد سمبلیستی مسجد به عنوان نمادی برای ترسیم هویت فرهنگی جامعة اسلامی، نه فقط در جهان‌بینی، بلکه در هنر و ادبیات و... تأثیرات عمیق و مثبت اخلاقی که ناشی از روحیه مذهب‌پذیری است و موجب کاهش مفاسد اخلاقی و اجتماعی می‌شود؛ چنان‌که در قرآن کریم نیز در آیة «إن الصلاه تنهی» به آن تصریح شده است.

1. . صحیفه نور؛ ج1، ص14. [↑](#endnote-ref-1)
2. . غرب در جغرافیای اندیشه؛ ص 12. [↑](#endnote-ref-2)